

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۱۴۷۳ ■ یکشنبه ■ ۱۷ فروردین ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفيعی
سردبیر: جواد دلیری

آذان مهر ۱۳۷۰ | آذان مغرب ۱۹/۴۸ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | آذان صبح فردا ۵/۱۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۳

امام علی علیه‌السلام:

بردباری، مانعی در برابر آفت هاست.

سخن روز

عیون الحکم والمواعظ (لینی) ح ۲۴، ص ۲۲۸

نگاره

پریرسا نورالهی



گفت‌وگو با توفیق سبحانی در هفتادونهمین سالگرد در گذشت پروین اعصابی

شاگرد خلف بزرگان ادبیات کلاسیک

هفتادو نه‌سال قبل در چنین روزهایی پیکری از مشهورترین زنان کشورمان در آغوش خاک آرام گرفت: پروین اعصابی، شاعری که تنها سی و چهار- پنج سال زندگی کرد با این حال موفق به خلق دیوانی شد که بسیاری از بزرگان روزگارش باور نکردند که سروده‌ او باشد. البته در این بین اسنادی همچون علامه دهخدا و ملک الشعرای بهار به دفاع از پروین برخاستند؛ با این حال او در شرایطی بازنگی‌وداع کرد که همگان متهم بود که شعرهایه‌خودش بقلع نندارد؛ هرچند که در نهایت نام این شاعر در تاریخ ادبیات ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین زنان ادیب در ش.د. گفته‌های توفیق سبحانی، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه که کتابی پژوهشی درباره دیوان پروین اعصابی نوشته‌ا به همین مناسبت می‌خوانید.

یاد

پروین اعصابی، شاعری که تنها سی و چهار- پنج سال زندگی کرد با این حال موفق به خلق دیوانی شد که بسیاری از بزرگان روزگارش باور نکردند که سروده‌ او باشد. البته در این بین اسنادی همچون علامه دهخدا و ملک الشعرای بهار به دفاع از پروین برخاستند؛ با این حال او در شرایطی بازنگی‌وداع کرد که همگان متهم بود که شعرهایه‌خودش بقلع نندارد؛ هرچند که در نهایت نام این شاعر در تاریخ ادبیات ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین زنان ادیب در ش.د. گفته‌های توفیق سبحانی، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه که کتابی پژوهشی درباره دیوان پروین اعصابی نوشته‌ا به همین مناسبت می‌خوانید.

مریم‌شهبازی

خبرنگار

■ **چه ویژگی خاصی در سروده‌های پروین اعصابی ست که او به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین**

شاعران زن کشورمان یاد می‌کنند؟

پروین اعصابی زمانی با زندگی وداع گفت که سی و پنج سال بیشتر نداشت و شاید همین مرگ زود هنگام را بتوان خوش شانس‌اش دانست. نکته‌ای که دربارهٔ تنها دیوان به یادگار مانده از او مطرح است سن کم اوست. شعرهایی که به گمانم برای زنی شاعر آن هم با موانع اجتماعی و از سویی تلاش جامعه ادبی آن روزگار برای پس زدن شاهکارهایش بیشتر به معجزه می‌ماند.

■ **حاضر جوابی پروین در مناظره‌هایش را می‌توان یکی از ویژگی‌های خاص شعر او دانست؟**

بله، چراکه پروین از توانایی خاصی در این زمینه برخوردار بوده و دیوانی ارزشمند در سنی کم خلق کرده. البته نباید فراموش کرد که از این سی و پنج سال عمر بخشی صرف روزگار کودکی و تحصیل شده، بخشی هم برای گرفتاری‌های ازدواج نافرجام. در آخر هم مبتلا به بیماری حصبه می‌شود که جانش را می‌گیرد.

■ **زمانه پروین چندان دور از روزگار مانیست، با این حال چرا هیچ‌نسخه‌ای به‌خط‌خود پروین از دیوانش در دست نیست؟**
پاسخ سؤال تان را نمی‌دانم، هرچند که نباید شرایط اجتماعی روزگار پروین را هم فراموش کنید؛ پدر پروین علیرغم تأثیر بسیاری که در کسب جایگاه ادبی او داشته تا پیش از ازدواج و حتی طلاق، به او اجازه نشر دیوانش را به دلیل نگرانی از برخی تفکرات اشتباه نمی‌دهد.

■ **مقدمه‌ملک الشعرای بهار بر دیوان پروین تأثیری در تغییر نگاه جامعه ادبی و رفیع‌انتهام از او نداشته؟**

اتفاقاً در همان روزگاری که دیوان پروین با مقدمه بهار منتشر می‌شود بسیاری به او خرده می‌گیرند که چرا چنین کاری کرده؛ کسی باورش نمی‌شد که آن اشعار به شاعری زن، آن هم با آن سن و سال تعلق داشته باشد. ما در ایران با چهره های درخشانی روبه رو هستیم، اما در میان زن ها، به ویژه در روزگار گذشته با کمتر زنی مواجه می‌شویم که قادر به عبور از تفکرات جامعه مردسالار شده باشد. البته نه این که نداشته باشیم، در اواخر قرن پنجم و سال های آغازین قرن ششم شاعر زن مطرحی به نام «مه‌ستی گنجوی» که اشعار محدودی از او باقی مانده هم بوده اما هیچ کدام موفق به کسب شهرتی همچون پروین نشده اند. در دوران معاصر شاعران زن دیگری هم نظیر سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد موفق به کسب جایگاهی ا لا شده‌اند که خوشبختانه آنقدر خوش شانس بوده‌ام که هر دو آنها را دیده‌ام. فروغ هم نظیر پروین روزگار چندان خوشی نداشت، او نیز بسیار جوان بود که با زندگی وداع کرد. البته این دو تفاوت مهمی با پروین داشتند، این که فروغ و سیمین بهبهانی در زمان حیاتشان هم مشهور بودند اما پروین تازه بعد از مرگش بود که کم‌کم از سوی جامعه ادبی پذیرفته شد.

■ **بازگردیم به سؤال ابتدایی گفت و گوو این که شعر او برخوردار از چه ویژگی‌هایی ست؟**

شاهکارهای به یادگار مانده از پروین در قالب‌های قصیده، قطعه و مثنوی هستند، با این حال مهارت مثال زدن‌اش در مناظره گوئی را می‌توان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها در پاسخ به سؤال شما دانست. نکته مهم دیگری که نباید فراموش کرد این است که سروده‌های پروین به

حسین انتظامی: اخراج نکندید

تا حمایت شود

استفاده‌سیماهاماوسایر مراکز خدماتی
سینمایی از حمایت‌ها، تسهیلات و منابع
سازمان سینمایی (اعم از مستمر و مصوبات
ویژه کرونا) منوط به آن است که
همکاران خود را اخراج نکنند.

تونیت ر نیس ساز مان

سینمایی در باره شر ایط

بهر همدی سینماداران از

حمایت‌های جبران کرونا

چرا ترانه بوی عیدی در خاطر تاریخ مانده است

زمزمه دیروز و امروز

بازخوانی ترانه‌ی «کودکانه» یا همان «بوی

سوژه روز

در برنامه «دورهمی»، حواشی زیادی را در تعطیلات نوروزی به‌همراه داشت و با شکایت رسمی ترانه‌سرا و نامه سرگشاده آهنگساز روبه‌رو شد. البته که بهادری این کار را ۹ سال پیش با شعری از فرید احمدی خوانده بود اما بازپخش آن در تلویزیون سبب شد در این ابعاد دیده شده و حواشی بسیاری حول آن ایجاد شود. اما چه چیز این ترانه با صدای فرهاد مهراد چنان ماندگار است که تغییر در شعر یا بازخوانی‌اش به دست خواننده‌ای دیگر چنین بازتابی ایجاد می‌کند؟



سلمان یداللهی شاعر

توصیف بهار و عید، توانسته‌اند نقش مهمی در برانگیختن حس انتظار و استقبال از آن داشته باشند.

یکی از ترانه‌هایی که به خوبی توانسته در حافظه موسیقیایی ما به عنوان یک بهاریه شنیداری خوش بنشیند ترانه «بوی عیدی» از زنده‌یاد فرهاد است. یک اثر ماندگار که علیرغم نزدیک به نیم قرن از شنیدن آن، هنوز مثل خود عید، بوی تازگی می‌دهد. ترانه این اثر به زیبایی اعتقادات مذهبی، آیین‌ها و سنت‌های اصیل ایرانی، بازی‌های بومی، شادی و ذوق و شوق کودکانه و همه آن چه را که مربوط به حال و احوال ما در آستانه نوروز است به تصویر کشیده. آهنگساز این اثر نیز به خوبی غم و شادی ما

درباره کتابی که این روزها بسیار خوانده می‌شود

بلای بی تفاوتی

نگاه روز

آنهايي که «طاعون» آلبر کامو را خوانده‌اند می‌دانند در حال و هوایی مشابه این روزهای خودمان نوشته شده. اصغر توری، مترجم سرشناس ادبیات فرانسه، ترجمه زنده‌یاد رضا سید حسینی از این رمان مشهور را که به همت نشر نیلوفر در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته، پیشنهاد خوبی برای این روزها و نگرانی‌مان از گرفتاری به‌ویروس ناخواندنی می‌داند که سابه‌اش بر اغلب کشورهای جهان سنگینی می‌کند.

در شهر اُران الجزایر طاعون شیوع پیدا می‌کند و هر روز تعداد مرده‌ها بیشتر می‌شود. فرمانداری برحسب ضرورت دستور می‌دهد دروازه‌های شهر را ببندند و مردم را مجبور به ماندن در قرنطینه کنند. این فرمان، ابتدا زنجیره‌ای از واکنش‌های اعتراضی برمی‌انگیزد اما با طولانی شدن قرنطینه، این اعتراض‌ها جای خود را به نوعی بی‌تفاوتی می‌دهد که روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود. اران از دنیا جدا می‌ماند و مردمش «زندانی طاعون» می‌شوند، زندانی‌های محکوم به مرگی که از زمان اجرای حکم‌شان بی‌خبرند. رفته‌رفته، طاعون از بلایی که سر بخشی از مردم می‌آید، به «مسأله‌ای جمعی» تبدیل می‌شود و حتی کسانی که به این بیماری کابوس‌وار مبتلا نشده‌اند، در قلب‌شان آن را حس می‌کنند.

روایت بر عهده یک راوی ناشناس است که روی شخصیت دکتر ریو تمرکز می‌کند. تکنیک روایت اجازه نمی‌دهد احساسات شخصی دکتر فاش شود و همواره فردیت او را مقابل سیل احساساتی که هموعاشش برمی‌انگیزند پنهان می‌کند، طوری که انگار آلبر کامو این شخصیت را با الهام از کاراکتر خودش ساخته است. دکتر ریو در عین درگیری با همه حوادث، فاصله‌ای نگه می‌دارد که مناسب زمان طاعون است. در این برهه زمانی، او کارش را با جدیت دنبال می‌کند، دست به همه کار می‌زند تا مریض‌ها درمان شوند و خانواده‌هاشان تسلی یابند، اما نه آن قدر که سلامتی خودش به خطر بیفتد و یا تعادل ذهنی‌اش فدای محبت‌های پرشور شود. با این همه، پشت این روحیه حرفه‌ای سرسختانه که به ما اجازه می‌دهد روز به روز در جریان گسترش بیماری



اصغر توری مترجم ادبیات فرانسه

گونه‌ای هستند که انگار امضای او بر آن‌هاست و حتی بدون درج نامش هم می‌توان فهمید که فلان بیت یا شعر از سروده‌های او هستند.

■ **با وجود همه بی‌مهری‌ها انتها‌هایی که متوجه پروین بوده و**

■ **حمایت افرادی همچون علامه قزوینی هم بر بخوردار بوده.**
بله حتی علامه قزوینی در نامه‌ای به پدر پروین از این گفته که: «اشنکی نیست که در خصوص جنبه صنعتی و فنی شعر، یعنی جنبه فصاحت لفظی این خنسای عصر و این رابعه دهر خنسا و رابعه عدویه! از مشهورترین شاعران زن جهان عرب هستند.» مدیون توجه و عنایت پدری فاضل همچون شما است.» او در جای دیگری از این نامه گفته: «به‌طور قطع تاکنون هیچ زنی در این زبان، مانند پروین وبه خوبی او شعر نگفته است.» این نقل قولی ست که در هفتمین شماره مجله مهر در دوره رضا شاه منتشر شده است. اما دلیل گفته علامه قزوینی درباره نقش پدر پروین در چیست؟ او شعرهای برجسته شاعران خارجی را ترجمه کرده و برای پروین می‌خوانده و او را از سن خردسالی به تنظیم آنها به نثر شوقی می‌کرده است.

■ **افرادی نظیر علامه دهخدا و ملک الشعرای بهار جقدر در معرفی پروین به جامعه مردسالار آن روزگار نقش داشته‌اند؟**

در نقش این دو که هیچ تردیدی نیست، البته منتقدان پروین و جامعه ادبی نقد بسیاری هم به دهخدا و بهار داشته‌اند؛ حتی وقتی بهار مقدمه دیوان پروین را می‌نویسد به او ایراد گرفتند که تویی سواد، چراکه تخصص نداده‌ای این اشعار به‌خود پروین تعلق ندارد و سروده‌های دیگران را در زبیده و به نام خود زده. پروین سال‌های آخر عمرش به کتابخانه دانشسرای عالی که حالا به مرکز تربیت معلم تبدیل شده می‌رفته، از همین طریق هم شرایط آشنایی نزدیک او با دهخدا و بهار که گویا آنجا تدریس می‌کرده‌اند فراهم می‌شود.

■ **شما چرا پروین اعصابی را شاگرد خلف بزرگان ادبیات کلاسیک فارسی دانسته‌اید؟**
بگذارد قبل از پاسخ به این سؤال نکته‌ای بگویم، اگر شعرهای پروین را بخوانید و توجهی هم به شرایط او داشته باشید به منتقدانش حق می‌دهید که گمان کنند شعرها کار خودش نبوده است. به گمانم پروین از آن دسته افرادی ست که خواند به آنان لطف خاصی داشته

و گر نه چطور می‌توان در آن سن کم چنان شعرهای پختناری گفته. مضامین اشعار پروین بیشتر به نقد شرایط اجتماعی بازمی‌گردد، به بیان آنچه بر طبقه ستمدیده گذشته بوده و این در حالی ست که او به خانواده‌ای مرفه تعلق داشته، هر چند که علیرغم شرایط خانواده‌اش همواره در تلاش برای دیدن آنچه بوده که بر مردم می‌گذشته بود. پروین طی سال‌های کوتاه زندگی‌اش موفق به دیدن چیزهایی شده که امروز هم دیده می‌شود، هرچند که شاید اغلب ما بی تفاوت از کنارش عبور کنیم. به عنوان نمونه: «کودکی گوزه‌ای شکست و گریست»، نظیر این کودک هنوز هم هست، کودکان کاری که تا کمر در سطل‌های زباله می‌خورند و... مهم‌ترین فرق پروین با ما در این است که ما همه اینها را می‌بینیم و می‌گوییم؛ اما او همه اینها را دید و بی تفاوت عبور نکرد. به گمانم پروین را می‌توان یکی از بهترین شاگردان بزرگان ادبیات کلاسیک مان دانست، او حرف‌هایی را شنیده که کمتر کسی توان شنیدنش را داشته است.

عبدالجبار کاکایی: بار مشکلات را با اتحاد

از دوش خود برداریم

این دست از اتفاقات و بلایای
عمومی - کرونا- سبب می‌شود
به مشارکت مدنی بیش از گذشته
فکر کنیم و ببندیشیم چگونه با
اتحاد و همبستگی بارموانع و
مشکلات را از روی دوش خود
برداریم.

بخشی از پیام این شاعر و
ترانه‌سرا در شبکه‌های اجتماعی